

سرشناسه: غنوشی، راشد، ۱۹۴۱-م.

Ghannushi, Rashid

عنوان قراردادی: ارهاصات الثورة، فارسی

عنوان و نام پدیدآور: پدیدارشناسی انقلاب تونس: زمینه‌های فکری و اجتماعی پدیدآیی انقلاب‌های عربی /

راشد الغنوشی؛ به اهتمام رضوان السید؛ مترجم جبار شجاعی.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۲۴ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۱۸۷-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا

موضوع: تونس -- تاریخ -- قرن ۲۱م. -- جنبش‌ها و قیام‌ها

موضوع: Tunisia -- History -- 21st century *Protest movements

موضوع: بهار عربی، ۲۰۱۰م. -- تاثیر

موضوع: Influence -- Arab Spring, 2010

موضوع: اسلام -- تجدید حیات فکری -- تاریخ -- قرن ۲۱م.

موضوع: Islamic renewal -- History -- 21st century

موضوع: بنیادگرایی اسلامی -- تونس -- تاریخ -- قرن ۲۱م.

موضوع: Islamic fundamentalism -- Tunisia -- History -- 21st century

موضوع: تونس -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱م.

موضوع: Tunisia -- Politics and government -- 21th century

شناسه افزوده: سید، رضوان

شناسه افزوده: Sayyid, Ridwan

شناسه افزوده: شجاعی، جبار، ۱۳۶۷-، مترجم

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴۰۴۱ الف ۹/غ DT۲۰۵

رده‌بندی دیویی: ۹۶۱/۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۷۱۴۶۸



پدیدارشناسی انقلاب تونس

«زمینه‌های فکری و اجتماعی پدیدآیی انقلاب‌های عربی»



راشد الغنوشی

به اهتمام: دکتر رضوان المینید

مترجم: جبار شجاعی



نشر معارف

شهره‌آرشیو کتابخانه‌ای انقلاب تونس

تألیف: دکتور رضوان السید شرحی
چهار شجاعی، پژوهشگر تمدن توحیدی
ویراست: علی عرب صالحی، مدیر نشر معارف
چاپ: کارگاه طراحی ۲۰۱۰، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد
نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاهها)، چاپ اول، ۱۳۹۹ هجری
۱۰۰۰ نسخه چاپی، ۶۰۰۰ تومان، ۵-۱۸۷-۴۴۱-۶۰۰-۹۷۸

فراخوان

مدرسه توحیدی دفتر نشر معارف قم، خیابان شهید، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۴ و ۳۱۰۷۷، پانوی کتاب آرمیه خیابان دانش ۲،
نرسیده به خیابان شهید باکری، جنب فروشگاه کوروش، تلفن: ۴۴۳۲۵۴۴۱، پانوی کتاب آرمیه خیابان طیب، جنب کوچه ۲۶، تلفن:
۳۱۳۲۳۱۳۴۱، پانوی کتاب آرمیه خیابان امام خمینی (ع)، خیابان میرزای شیرازی (مسجد سیدها)، ساختمان حوزه علمیه خواهران، تلفن:
۸۶۳۲۲۲۹۰۳۸، پانوی کتاب آرمیه خیابان نادری، خیابان شهید سراج، پشت کلیسا، بین نادری و کافی، پلاک ۶۷، تلفن: ۶۱۳۲۲۳۸۰۰
پانوی کتاب آرمیه خیابان ولایت (خیابان مسجد والی)، ساختمان سابق بانک قوامین، تلفن: ۸۴۳۲۳۶۴۸۵۷، پانوی کتاب آرمیه
خیابان بسیج (کرمانی)، روبروی مدرسه شهید رجایی، پلاک ۱۹۵، تلفن: ۵۸۳۲۲۲۲۸۲، پانوی کتاب آرمیه خیابان دانشگاه، جنب
موسسه اعتباری عسگریه، پاساژ کاکتوس، تلفن: ۷۶۳۳۶۱۷۵۵۷، پانوی کتاب آرمیه خیابان شهید، نبش شهدای ۵، ساختمان آذر،
تلفن: ۵۶۳۲۲۴۱۷۹، پانوی کتاب آرمیه خیابان انقلاب، تقاطع خیابان حافظ (چهارراه کالج)، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۸۹۱۱۲۱۲، پانوی کتاب
آرمیه خیابان شهید مطهری، سه راه اول، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۶۶۳۳۲۲۲۳۷۱، پانوی کتاب آرمیه خیابان امام خمینی (ع)،
روبروی اداره برق، تلفن: ۱۳۳۳۳۳۴۵۶۹، پانوی کتاب آرمیه خیابان امام حسین (ع)، جنب امامزاده سیدابراهیم (ع)، تلفن: ۲۴۳۳۳۶۶۴۲۵
پانوی کتاب آرمیه میدان شهید، خیابان ۱۸ دی، روبروی مسجد امام حسین (ع)، تلفن: ۱۱۳۲۲۵۳۰۲۰، پانوی کتاب آرمیه شهرک
ولی عصر (ع)، بالاتر از سه راه سینما، تلفن: ۳۸۳۲۲۴۳۲۲۲، پانوی کتاب آرمیه خیابان شهید فقیهی (صورتگر)، نبش خیابان معدل، تلفن:
۷۱۳۲۲۴۴۶۱۴، پانوی کتاب آرمیه مرکز ۱، خیابان شهید، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن: ۲۵۳۷۷۲۲۷۵۷، پانوی کتاب آرمیه (شعبه اول)
خیابان شهید، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۲۵۳۷۷۳۵۰۰۳، پانوی کتاب آرمیه خیابان شهید، ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری
اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، تلفن: ۲۵۳۲۹۱۷۷۲۷، پانوی کتاب آرمیه خیابان شهید، نبش کوچه
کانون (بانک ملی)، تلفن: ۲۸۳۳۳۴۰۰۷۶، پانوی کتاب آرمیه خیابان شهید مطهری، بین کوچه ۵۴ و ۵۶، تلفن: ۳۳۳۲۲۳۱۴۶۶، پانوی کتاب آرمیه (شعبه اول)
چهارراه مدرس، خیابان پزشکان، پلاک ۲۲، تلفن: ۸۳۳۷۷۲۳۸۴۱۱، پانوی کتاب آرمیه (شعبه دوم)، باغ ابریشم، روبروی مجتمع ایثار،
درب ورودی دانشگاه رازی، تلفن: ۸۳۳۷۷۲۳۸۴۱۱، پانوی کتاب آرمیه مقابل پارک شهر، کوچه بوعلی، تلفن: ۱۷۲۲۲۲۷۸۰، پانوی کتاب
آرمیه (شعبه اول)، چهارراه شهید، خیابان آیت الله بهجت (ع)، نبش کوچه هفتم، تلفن: ۵۱۳۲۲۲۰۱۹، پانوی کتاب آرمیه (شعبه دوم)، ابتدای
بلوار وکیل آباد، زیرگذر پارک ملت، تلفن: ۵۱۳۶۰۶۰۸۱۱، پانوی کتاب آرمیه خیابان پزشک، بالاتر از داروخانه دکتر نیکبخت، جنب کفش
ملی، تلفن: ۹۱۰۷۷۵۱۸۵ و ۹۱۰۷۷۴۱۰۷۱۷، پانوی کتاب آرمیه بلوار شهید منتظر قائم، چهارراه فاطمی، کوچه گلشن، تلفن: ۳۵۴۳۲۳۰۳۲۱
پژوهشگاه تمدن توحیدی قم، بلوار جمهوری اسلامی، میدان سپاه، خیابان شهید محمد اخلاقی، پلاک ۱۲، تلفن: ۳۲۹۴۴۷۱۶-۲۵

پایگاه اینترنتی NashreMaaref.ir | کتابخانه‌ای اینترنتی | info@nashremaaref.ir

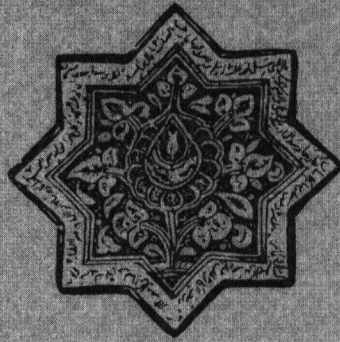
فهرست

پیشگفتار.....	۹
دیباچه استاد راشد الغنوشی بر ترجمه‌ی فارسی.....	۱۱
مقدمه‌ی مترجم.....	۱۵
مقدمه‌ی گردآورنده.....	۲۱
فصل اول: انتخابات تونس و آشتی ملی.....	۲۷
فصل دوم: مبانی قدرت و حکومت در اسلام.....	۴۳
۱. ضرورت حکومت و تمدن آن در اسلام.....	۴۴
۲. اساس مشروعیت و قانون‌مندی در حکومت اسلامی.....	۵۰
فصل سوم: بزرگداشت انتفاضه در پنجمین بهارش: نتیجه و آرزو.....	۶۳
فصل چهارم: پدیده اعتصاب غذا در تونس.....	۷۵
فصل پنجم: مصر و صحنه‌های هفت‌گانه‌ی سقوط.....	۸۵
فصل ششم: آیا اسلام‌گرایان و سکولارها میدان عمل مشترکی دارند؟.....	۹۱
فصل هفتم: میزان توانمندی کشورهای عربی برای ایجاد تحول دموکراتیک.....	۹۹
فصل هشتم: دعوت اسلامی چرا سیاسی شده است؟.....	۱۰۷
فصل نهم: چه زمانی اسلام راه‌حل است؟.....	۱۱۵
أ. تفاوت کاربردی.....	۱۱۷
ب. عقب‌نشینی تفکر سرکوب اسلام.....	۱۱۷
فصل دهم: چالش‌های اصلی پیش روی ملت ما.....	۱۱۹
اول: مواجهه با دشمن بین‌المللی امت ما.....	۱۱۹

دوم: چالش تجزیه	۱۲۰
سوم: چالش استبداد	۱۲۱
چهارم: چالش فساد و غارت اموال عمومی	۱۲۲
پنجم: تضمین حقوق شهروندی بدون نقض حقوق زنان و اقلیت ها	۱۲۲
فصل یازدهم: آزادی	۱۲۵
أ. گفتمان های اسلام گرا، غیرقابل اعتماد، بلکه ترسناک اند	۱۲۶
ب. زمامداری فرد غیرمسلمان	۱۲۷
ج. مردم همان تضمین هستند	۱۳۰
د. تردید نسبت پایداری بر اصل شهروندی	۱۳۱
هـ. رهبری زن	۱۳۲
فصل دوازدهم: چه زمانی عرب ها از تکرار روش ملوک الطوائفی دست می کشند؟	۱۳۵
فصل سیزدهم: جنبش اسلامی و جنگ غزه	۱۴۳
فصل چهاردهم: حقوق بشر در تونس و سرنوشت آن	۱۵۳
حذف جنبش	۱۵۴
ارزیابی تجربه	۱۵۴
نوسازی جعلی	۱۵۶
اقدامات بنیادین	۱۵۷
مسئله ی بزرگ تر	۱۵۹
خودترمیمی	۱۶۰
فصل پانزدهم: مقایسه ی سید قطب و مالک بن نبی	۱۶۳
فصل شانزدهم: میزان مسئولیت غرب در مظلومیت ما	۱۷۳
فصل هفدهم: در بیست و نهمین سالروز تأسیس جنبش اسلامی	۱۸۱
فصل هجدهم: کدام یک دیگری را محاصره می کند: غزه یا دشمنان غزه؟	۱۸۹
۱. پایداری اسطوره ای و اساسی غزه	۱۸۹
۲. [کشتی مرمه، نماد حق جوئی]	۱۹۱
۳. [ترکیه و بازگشت به سوی اسلام و مسلمانان]	۱۹۴
۴. بازگشت اسلام به عنوان یک بازیگر مؤثر و قوی در سیاست بین الملل	۱۹۶
فصل نوزدهم: ناوگان آزادی: شاخص ها و درس ها	۱۹۹
اول: شاخص ها	۱۹۹
دوم: درس ها و عبرت ها	۲۰۳
۱. پیروزی جامعه مدنی و انسانی بر جامعه نظامی صهیونیستی و هم پیمانان بین المللی و منطقه ای آن	۲۰۳

۲. نسل ما و نسل آنان در جهت مخالف هم در حال رشد است..... ۲۰۴
۳. گناه نابخشودنی..... ۲۰۵
- فصل بیستم: اسلام و شهروندی..... ۲۰۹
- فصل بیست و یکم: بنقردان ... جنایت اتحاد زنده به گور شده..... ۲۱۹
۱. در شهر بنقردان تونس چه اتفاقی افتاد؟..... ۲۱۹
۲. ارتباط این مسئله با شرایط اقتصادی کشور..... ۲۲۳
۳. ارتباطش با شرایط سیاست امنیتی..... ۲۲۴
۴. تونس به کدامین سومی رود؟..... ۲۲۶
- فصل بیست و دوم: گفتگویی با روزنامه‌ی الجزایری «الشروق»..... ۲۲۹
- فصل بیست و سوم: مشکلات گفتمان اسلامی معاصر..... ۲۴۹
۱. [کشورهای کوچک و حکومت‌های منطقه‌ای عامل تضعیف مسلمانان]..... ۲۵۰
۲. [جدائی بین دین و سیاست و رها کردن بعد اجتماعی اسلام]..... ۲۵۱
۳. غلبه‌ی گفتمان بازدارنده و مجازات..... ۲۵۴
۴. [شناخت ناقص اسلام و توجه زیاد به برخی نمادهای شریعت]..... ۲۵۵
۵. گفتمانی پندآمیز، ستایش‌گونه و دفاعی..... ۲۵۷
۶. [توجه بیش از حد به ظواهر شریعت و عدم توجه به هنر و روش‌های جدید]..... ۲۵۸
- فصل بیست و چهارم: حکومت استبدادی: اولین نقطه ضعف ساختار امت..... ۲۶۱
- فصل بیست و پنجم: از هجرت چقدر باقی مانده است؟..... ۲۷۵
- فصل بیست و ششم: سیدی بوزید از تونس حقیقی پرده برمی دارد..... ۲۸۱
- فصل بیست و هفتم: انتفاضه سیدی بوزید تا کجا؟..... ۲۸۹
- فصل بیست و هشتم: گفت‌وگویی با مجله «حجاج»..... ۲۹۷
- فصل بیست و نهم: سکولاریسم و ارتباط دین و دولت از دیدگاه جنبش النهضة..... ۳۰۵
- متن مقدمه دکتر رضوان مصمودی و تعریف ایشان از شیخ راشد غنوشی..... ۳۰۵
- متن سخنرانی راشد غنوشی..... ۳۰۷
- فصل سی‌ام: آزادی و مبارزه با استبداد..... ۳۱۷
- انقلاب: حذف مفهوم آزادی از دین به نفع فقه اطاعت و تسلیم شدن..... ۳۲۱
- اسلام‌گرایان و حقیقت مصادره‌ی آزادی‌ها توسط آن‌ها؛..... ۳۲۲
- احیای «فقه انکار منکر» در امور عمومی و سیاست..... ۳۲۶
- انقلاب‌های عربی... بزرگ‌ترین جهاد؛..... ۳۲۸
- فصل سی و یکم: شعارهای انقلاب و ضرورت تعامل و سازندگی..... ۳۳۱
- پاسداری از خون شهیدان: از شعار تا عمل..... ۳۳۲

۳۳۳	امضاهایی بر اسناد آزادی.....
۳۳۴	خون شهیدان امانتی برگردن همه است
۳۳۶	پس از ویرانی، نوبت سازندگی است.....
۳۳۸	چگونه بیکاری فراگیر شده و نیروی کار کمیاب گشته است؟.....
۳۳۹	چه تأییدی برای فرهنگ بی تفاوتی است؟.....
۳۴۰	قدرت: روش مشارکتی.....
۳۴۳	چه تفاوتی بین قدرت دولت و قدرت شهروند هست؟.....
۳۴۵	فصل سی و دوم: مفاد و تعهدات قانون اساسی پس از انقلاب.....
۳۵۱	فصل سی و سوم: حقوق بشر در اسلام.....
۳۶۱	فصل سی و چهارم: انتقال دموکراتیک در تونس.....
۳۶۷	فصل سی و پنجم: چشم اندازهای تونس جدید.....
۳۷۱	فصل سی و ششم: انقلاب از آغاز شکل گیری تا قانون اساسی.....
۳۸۵	فصل سی و هفتم: آزادی اندیشه.....
۳۹۱	فصل سی و هشتم: تفاهم، پیروزی حقیقی برای این انقلاب.....
۳۹۹	فصل سی و نهم: آیا گفتگوی ملی، بهار تونس را نجات می دهد؟.....
۴۰۷	فصل چهلم: تثبیت و استواری الگوی تونس.....
۴۱۵	فصل چهل و یکم: تجربه تونسی ها پس از انقلاب ... کدام افق ها.....
۴۲۱	نمایه.....



پیشگفتار

«اکنون در دنیای اسلام حادثه‌ای بزرگ و باشکوه و سرنوشت ساز در حال وقوع است. حادثه‌ای که می‌تواند همه‌ی معادلات استکبار را در این منطقه به سود اسلام و به سود ملت‌ها دگرگون سازد. حادثه‌ای که می‌تواند عزت و کرامت را به ملت‌های عرب و امت اسلامی برگرداند و غبار ده‌ها سال رفتار ظالمانه و تحقیر و تذلیل را که از سوی آمریکا و غرب بر این ملت‌های کهن و ریشه‌دار وارد آمد، از سر و روی آن‌ها پاک کند. این حادثه‌ی معجزه‌آسا به وسیله‌ی ملت تونس آغاز شد. ملت تونس توانستند حاکم خائن و سرسپرده‌ی آمریکا و دین‌ستیز را برانند، ولی خطا است اگر گمان شود که این، آن نتیجه مطلوب است. یک نظام وابسته با خروج مُهره‌های آشکارش، ساقط نمی‌شود. اگر به جای آن مُهره‌ها، هم‌پالگی‌های آن‌ها جایگزین شوند چیزی عوض نشده و دام فریب در برابر ملت گسترده شده است...»

من به نام ملت و دولت انقلابی ایران به شما ملت تونس درود می‌فرستم و پیروزی کامل شما را از خداوند عزیز مسألت می‌کنم. من به شما و قیامتان افتخار می‌کنم. شک نیست که قیام ملت‌ها، بسته به اقتضائات جغرافیایی و تاریخی و سیاسی و فرهنگی، در هر کشوری دارای مختصات منحصر به فرد است و نمی‌توان چیزی را که در انقلاب کبیر اسلامی در ۳۰ سال پیش در ایران واقع شد، عیناً در مصر یا تونس یا هر کشور دیگر اسلامی انتظار داشت، لیکن مشترکاتی هم وجود دارد که در آن‌ها، تجربیات هر ملتی می‌تواند برای ملت‌های دیگر به کار آید...»

بخشی از پیام مقام معظم رهبری خطاب به مردم تونس در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۶

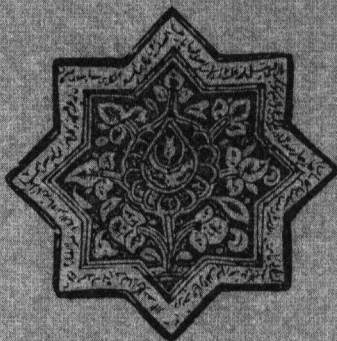
اکنون پس از گذشت چندین سال از انقلاب تونس می‌توان بدون التهاب به این انقلاب به عنوان نقطه آغاز حادثه‌ای که می‌رفت سرنوشت دنیای اسلام را به سرعت تغییر دهد، نظر انداخت. طبعاً مهم‌ترین منابع کالبدشناسی هر انقلابی، اندیشه‌های به نگارش یافته رهبران آن انقلاب در دوران پیش، حین و پس از انقلاب است. روایت «شیخ راشد الغنوشی» به عنوان رهبرارجمند «حرکت النهضة» از نشانه‌ها و چشم‌انداز این انقلاب می‌تواند در تحلیل نزدیک ترما از انقلاب تونس و زمینه عکس‌العمل‌های حرکت النهضة بسیار مؤثر باشد. کتاب ارزشمند «ارهاصات الثورة» با گردآوری دکتر رضوان السید از مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها و یادداشت‌های شیخ راشد الغنوشی می‌تواند منبعی مهم جهت آشنایی با طبیعت انقلاب تونس از زبان یکی از رهبران آن باشد. اثر حاضر ترجمه فارسی این اثر با عنوان «پدیدارشناسی انقلاب تونس، زمینه‌های فکری و اجتماعی پدیدآیی انقلاب تونس» می‌باشد.

پژوهشکده تمدن توحیدی از بذل توجهات شیخ راشد الغنوشی و دفترایشان که زمینه ترجمه این اثر را فراهم ساختند، کمال تشکر را دارد. همچنین از جناب آقای جبار شجاعی مترجم فاضل این کتاب که با اخلاص و اهتمام ویژه ترجمه دشوار این اثر را به زبان شیرین فارسی بر خود هموار نمودند و همچنین جناب آقای علی عرب صالحی ویراستار ارجمند دفتر نشر معارف، ناشر این اثر، صمیمانه تشکر می‌نماید. بر خود لازم می‌داند از جناب آقای مرتضی کربلایی که زمینه تحقق این ترجمه را فراهم نموده و با ارشادات و راهنمایی‌های ارزشمندشان بر غنای این اثر افزودند، کمال سپاسگزاری را به عمل آورد.

پژوهشکده تمدن توحیدی

قم المقدسه / رجب ۱۴۳۹

فروردین ۱۳۹۷



دیباچه استقادر اراشد الغنوشی بر ترجمه‌ی فارسی

بسی جای شکر و سپاس از خداوند مٲان دارد که کتاب بنده با عنوان «پدیدارشناسی انقلاب تونس»، فرصت انتقال (ترجمه) از زبان اصلی اش، زبان قرآن، به زبانی دیگر که هم سو و هم طراز آن است، پیدا کرده است. زبانی باستانی که یکی از کهن‌ترین زبان‌هاست. زبان فارس‌ها، زبان شعرو فلسفه و ادبیات انقلاب اسلامی ایران است. ادبیاتی که ارتباط و تأثیرپذیری ما از آن، به زمانی باز می‌گردد که نشان‌های آن از اواخر دهه‌ی هفتاد و با تألیفات علی شریعتی، شریعتمداری و امام خمینی و محمدباقر صدر، به دست ما رسید.

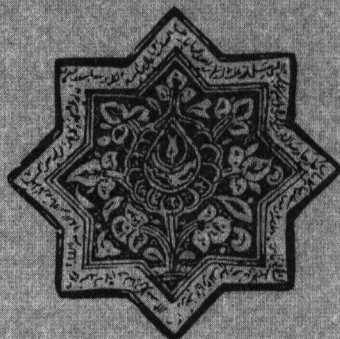
بی‌تردید این ادبیات در شکل‌گیری و ثبت انقلابی که نه تنها در ایران، بلکه در منطقه و جهان، زلزله‌ای به راه انداخت، نقش داشت. این ادبیات [موجب شد تا]، ابعاد اجتماعی، سیاسی و انقلابی نسل جوان را که ادبیات مصری و پاکستانی به ما یادآور نشده بودند، بشناسیم. ما هم به خوبی از این ادبیات بهره برده و خطابه‌هایی بس آتشین در نقد اوضاع اجتماعی و سیاسی سرزمین‌های اسلام و به طور خاص جهان عرب، سردادیم. ویژگی خاص این ادبیات موجب گسترش دایره‌ی اثرگذاری سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها و خطبه‌های مساجد و منابر گشت، طوری که این گفتارها، در بین محافل جوانان، بسیار رواج یافت. البته به موازاتی که این بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها منتشر می‌گشت، هول و هراس انتشار گسترده‌ی آن‌ها در فضای مُتَشَجِّج تونس، قدرت حاکم را فراگرفت؛ در نتیجه، با اقدامات دولت در ژانویه‌ی ۱۹۷۸ میلادی، پیامدهای ناشی از لرزش‌های اجتماعی که بدان مبتلا بودند، فرونشست.

به تدریج و هم‌سوبا شعله‌های انقلاب اسلامی ایران که دیکتاتور واقعی منطقه را سرنگون ساخت، پدیده‌ی اسلام‌گرایی هم ظهور یافت. دولت هم که متوجه خطر شکل‌گیری این پدیده - که البته از ده سال پیش و به صورت مخفیانه وجود داشت - شده بود، توپ‌خانه‌ی خود را که پیش از این، جریان‌های چپ و اتحادیه‌ها را نشانه گرفته بود، به سمت اسلام‌گرایان، نشانه رفت. کمی پیش نگذشت که زندان‌ها برای میهمانانی جدید، خالی شد؛ و این‌گونه جنگی خانمان‌سوز ضد مؤسسه‌ها، تشکیلات، شخصیت‌ها و حتی اندیشه‌ی حاکم بر این جریان، شراره کشید. جالب اینجاست که در همین برهه، درهای دولت و مؤسسات مدنی، به روی هر جریانی که مخالف اسلام و اسلام‌گرایان باشد، باز بود. ناگفته نماند که بهانه‌ی دولت برای بازگشایی فضای فعالیت مراکز مذکور، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، عنوان می‌شد. همین استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن»، موجب گشت تا بین جریان اسلام‌گرا، چپ و لیبرال در تونس، شکافی عمیق شکل بگیرد.

در سفر طولانی خود از استبداد به آزادی، درد و عذاب بسیاری کشیدیم. سفری که با تهمت اقدام و توطئه علیه امنیت ملی کشور و حمایت از انقلاب اسلامی ایران، با دستگیری سال ۱۹۸۲ و تکرار آن در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۹۲ میلادی شروع و مبارزان جنبش را در دسته‌های زندانی، جانباز، شهید و تبعیدی، تقسیم‌بندی نمود. این سفر دردناک و عذاب‌انگیز، جز با انقلاب مبارک تونس، پایان نیافت.

در راه رسیدن به آزادی، مجبور بودیم که با جریان‌های معارض ارتباط بگیریم. از این رو، با تمامی جریان‌های معارض در کشور، مذاکره کردیم. در همین راستا، با هر فرد یا گروهی که به هر دلیل مورد ستم دولت واقع گشته بود و البته صرف‌نظر از رویکرد، ایدئولوژی، هدف مقاومت و قیام علیه دولت خشونت، به گفت‌وگو نشستیم. تا از این طریق، هم فکری خود را برای توسعه‌ی بسترهای فکری مشترک جهت گسترش فرهنگ ملی جامع، آن هم در چارچوب نگرش اسلامی، آزادی‌بخش و دموکراتیک که ضمن گرامی‌داشت حقوق و کرامت انسان‌ها، ندای خلاصی از استبداد و بازتأسیس دولتی مبتنی بر دموکراسی، تجدّد و اسلام‌خواهی سرمی‌دهد، گسترده‌سازیم. لازم به یادآوری است که از روز اول، قرارمان بر این بود که برای تشکیل دولتی نوین که ستم‌ستیزی و التزام به توزیع قدرت و نه تمرکزگرایی و مواردی همچون حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها البته با تأکید بر مقاصد اسلام و هدف بعثت پیامبر که همان تکریم بنی‌آدم بوده است، از تجارب ارزشمند و درست، بهره‌مند شویم.

مقالاتی که در این کتاب آمده، در همین راستا و چارچوب بوده که طی ده سال اخیر تا شکل‌گیری انقلاب مبارک تونس به عنوان مادر انقلاب‌های بهار عربی، به نگارش درآمده‌اند؛ این مقالات که تحولات تونس و مصر را پردازش می‌کنند، به مثابه اهرمی مشوق و شورانگیز برای مبارزین اصلاح و انقلابی که از امکان اصلاحات در کشور و سازمان‌های عربی خود، ناامید شده بودند، است. در همین زمینه، مقالات مزبور، عناصر بستر سازی گسترش و سازواری مسالمت‌آمیز ارزش‌هایی را که جامع جریان‌های اعتدال‌گرای اسلامی و سکولاریسم بوده است، تبیین ساخته‌اند. همین خصوصیت، موجب شد تا انقلاب تونس برخلاف دیگر کشورهای عربی که پس از نابودی ستمگران و طاغوتیان یا حتی قبل از آن، در کشاکش تفکیک ایدئولوژیک، به جنگی داخلی روی آوردند، نه تنها دولت طاغوتی را مسالمت‌آمیز برکنار کند که بر مبنای همین رویکرد، دولتی بنا نهند که بر مؤلفه‌های آزادی، شهروندی و اسلام متمدن - البته با اجماعی که سدّ وسوسه‌ها و مکر دشمنان داخلی و خارجی شده است - مبتنا یابد. لیکن به خاطر چنگ زدن به ریسمان الهی و توافق و ائتلاف، شعله‌های انقلاب تونس، بابتی از تاریخ را جلوی کشورهای عربی و به طور خاص کشور تونس گشود که دوبال آزادی و پیوستن به کاروان پیشرفت جهانی را با خود همراه دارد. چرا که بدون آزادی، نه تاریخی خواهد بود و نه تمدنی. لذا در بادی امر، اگر آزادی بود، آنگاه رحمت الهی، نازل می‌گردد.



مقدمه‌ی مترجم

عرب‌ها هنگامی که پای در سرزمین به ظاهر انسان‌مدار و پیشرفته‌ی غرب نهادند، راه برون‌رفت از مشکلات روز سرزمین خود را هم‌رنگی با اروپائیان شمرده و تلاش کردند تا نسخه‌هایی کارآمد و البته مبتنی بر بسترهای فرهنگی سامانی که در آن حضور دارند، ارائه دهند. از این‌رو، شاهد شکل‌گیری نحله‌های فکری متعددی در بزرگراه خروج از بحران کشورهای عربی می‌باشیم. نحله‌هایی که جهت‌پرگار نگرش آن‌ها، احیای پتانسیل‌های مکنون در تمدن (عربی یا اسلامی) آن‌ها بوده است. بدین ترتیب، دو کلان‌گفتمان «تمدنی - اسلامی» و «تمدنی - سکولار» در شاهراه احیای هویت ملی و پیشرفت در مسیر تحقق آرمان ملت‌های عربی (عربی - اسلامی)، پا به عرصه‌ی حیات سیاسی نهاد. این دو گفتمان، آنگاه که در عرصه‌ی عمل و کنش سیاسی قرار می‌گیرند، نسخه‌هایی تجویز می‌کنند که بر مقولاتی چون «هویت عربی»، «غرب‌گرایی»، «هویت اسلامی - عربی» و «هویت اسلامی اصیل» تأکید داشته و به هنگام اجرا، بردو مرام «دموکراتیک» و «اقتدارگرایی» اصرار می‌ورزند. ابتنای این گفتمان‌ها بر مقولات یادشده و روش اجرای تجویز، جریان‌هایی را در جهان اسلام شکل داده است که می‌توان آن‌ها را در طیف‌های «تمدن‌گرا - سکولار اقتدارگرا»، «تمدن‌گرا - سکولار دموکرات»، «تمدن‌گرا - اسلام‌گرای دموکرات» و «تمدن‌گرا - اسلام‌گرای اقتدارگرا» دسته‌بندی کرد. اگرچه در عرصه‌ی میدانی و سیاست عملی، می‌توان احزاب و گروه‌های سیاسی کشورهای متعدد جهان اسلام را ذیل هر کدام از این جریان‌ها قرار داد، لیکن اندیشه‌وران حوزه‌ی کلان

گفتمانی این جریان‌ها را می‌توان در اندیشه‌های طه‌طاوی (تمدن‌گرا- سکولار) - با تأکید بر هویت عربی - شاهد بود که تلاش می‌کرد تا وطن عربی خود و به طور مشخص «مصر» را از بحران هویت نجات دهد. ایشان احیای هویت عربی را در الگو قرار دادن پیشرفت‌های اروپایی می‌دانست، لیکن از آنجا که نسخه‌های تجویزی‌اش را محدود به مصر و وحدت عربی می‌شمرد، در دسته‌ی «عرب‌گرایی» قابل تقسیم‌بندی است. افزون بر ایشان، افرادی چون خیرالدین تونسسی، جیمز صنوع، مصطفی کامل، لطفی السید، شبلی شمیل و طه حسین با تفاوت اندکی در میزان تبعیت از غرب و هویت عربی یا تقدّم و تأخر این دو، از جمله صاحب‌نظران همین حوزه به شمار می‌روند.

گرایش دیگر را افرادی چون محمد عبده، سید جمال‌الدین اسدآبادی، رشید رضا، عبدالزّاق و دیگرانی چون سید قطب نمایندگی می‌کنند که با نگاهی به احیای تمدن مغفول و گم‌شده‌ی جهان عرب، بر این باورند که بازگشت به اسلام و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی - دینی خود، می‌تواند جامعه‌ی اسلامی - عربی را در مسیری از پیشرفت پایدار و کارآمد قرار دهد. این افراد، به هنگام تجویز نسخه‌ای برای برون‌رفت از بحران و رسیدن به وضعیتی مطلوب، گام در مسیری نهادند که نه تنها بین‌نخبگان که بین توده‌ی مردم نیز دوگانگی‌هایی شکل گرفت و خود به چالشی اساسی برای جهان اسلام امروز مبدّل گشت.

امروزه جریان‌های سیاسی متعددی خط فکری همین دو کلان‌گفتمان را پی می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین این جریان‌ها، «اخوان المسلمین» است که به علت تجربه‌ی عمیق کار تشکیلاتی و بهره‌مندی از رهبران فکری طی برهه‌های شکل‌گیری، رشد و گسترش خود در سرپرده‌ی جهان اسلام، نیرومندترین و اثرگذارترین جریان سیاسی هندسه‌ی سیاسی جهان اسلام - بوده و هست. این جنبش به عنوان تشکّل فراملی اسلام‌گرای سنی، در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسکندریه مصر و توسط حسن البنا و با الهام از اندیشه‌های افرادی چون محمد غزالی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده بنیان‌های فکری و چارچوب‌های تشکیلاتی خود را شکل داد. اخوان که ابتدا از درِیچه اقدامات عام‌المنفعه گام در مسیر جذب نیرو نهاد، از سال ۱۹۳۹ میلادی، با تکیه بر آرمان فلسطین و حقوق عرب‌ها، به سازمانی سیاسی تبدیل گشت و نفوذ خود را به کشورهای دیگر از جمله سوریه، اردن، سودان، شمال آفریقا و تا حدودی لبنان گسترش داد. یکی از کشورهایی که سال‌ها پس از تأسیس، با الهام از اندیشه‌های اخوانی و البته بسترهای سیاسی و فرهنگی - اجتماعی خود، شاهد شکل‌گیری «گرایشی اسلامی» بود، کشور «تونس»

بود؛ این جریان که پیشینه‌ی فعالیت آن به سال ۱۹۸۱ باز می‌گردد، سرانجام در سال ۱۹۸۹ عنوان «النهضة» را برای خود انتخاب کرده و علی‌رغم ممنوعیت فعالیت سیاسی حزبی آن‌ها از سوی بن علی، لیکن برخی از نیروهای آن، تحت عنوان نمایندگانی مستقل، به مجلس راه یافتند. یکی از فعال‌ترین و تأثیرگذارترین نیروهای اسلام‌گرا که در شکل‌گیری النهضة نیز نقش برجسته‌ای داشت، آقای «راشد الغنوشی» است که در سال ۱۹۸۱ و به دنباله‌ی فعالیت‌های تشکیلاتی خود در تقابل با دیکتاتوری بورقیه، به ۱۱ سال حبس محکوم شد تا اینکه با روی کار آمدن «بن علی»، در سال ۱۹۸۷ آزاد و مسیر مبارزاتی خود را ادامه داد. پس از فعالیت‌های آزادی‌خواهانه‌ی راشد الغنوشی در قالب تشکلی اسلامی، بن علی به این نتیجه رسید که ادامه‌ی فعالیت فردی با این گستره از اثرگذاری، پایه‌های حکومتش را سُست و به نابودی می‌کشاند، لذا سال ۱۹۹۲ دستور به دستگیری او داده و سرانجام ایشان را به سودان و الجزایر و در نهایت لندن تبعید کرد.

ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین در تمامی کشورها به گونه‌ای بوده و هست که حتی در صورت نبود رهبر، سازمان به فعالیت خود هرچند مخفیانه، ادامه می‌دهد. از این رو، جنبش النهضة طی سال‌های حضور غنوشی در لندن، به حیات خود ادامه داد و روند عضوگیری و فعالیت تشکیلاتی‌اش را متوقف نداشت. سرانجام با شعله‌ور شدن بیداری اسلامی در تونس، غنوشی پس از ۲۰ سال به وطن بازگشت و هدفش را مشارکت در امور سیاسی تونس عنوان نمود. پس از یک سال از شروع انقلاب، تونس صحنه‌ی تغییر و تحولات بزرگی شد که برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان و پیروزی قاطع حزب اسلام‌گرای «النهضة»، مُهر تأییدی بر اسلامی بودن انقلاب در این کشور بود. طی این انتخابات که با مشارکت ۷۰ درصدی مردم برگزار شد، اسلام‌گرایان بیش از ۴۰ درصد آراء را از آن خود کرده و ۹۰ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجلس مؤسسان را از آن خود کردند؛ اما پس از اینکه هیچ جریان سیاسی نتوانست اکثریت آراء را از آن خود کند، طرف‌های سیاسی این کشور، تصمیم به تقسیم قدرت گرفته و این‌گونه توافق کردند که «محمد مُنصف المرزوقی»، دبیر کل «حزب کنگره برای جمهوری» به عنوان رئیس‌جمهور و «حمادی الجبالی»، دبیر کل جنبش «النهضة»، نخست‌وزیر شود.

حزب النهضة که در این برهه مسئولیت دولت را بر عهده گرفته بود، پس از بیست سال در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۱۲، نخستین کنگره‌ی علنی خود را برای تعیین راهبردهای سیاسی و اجتماعی برگزار و طی آن، راشد الغنوشی که از سال ۱۹۹۱ رهبری جنبش را بر عهده داشت، در

این سمت ابقا شد. این شروع، اگرچه کوله باری از تجربه‌ی عملی و تشکیلاتی را همراه داشت، اما با نارضایتی مردم تونس از وضعیت معیشتی و دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت انحراف انقلاب تونس هم‌زمان گشت، به گونه‌ای که خیابان‌های شهرسیدی بوزید روزانه شاهد اعتراضات مردم بود. مخالفان که خواهان انحلال مجلس و تشکیل دولت نجات ملی بودند، با ترور شخصیت‌هایی چون «محمد البراهیمی» دبیرکل جبهه مردمی و نماینده مخالف مجلس و «شُکری بلعید» رهبر حزب «دموکرات میهن پرستان»، النهضه را متهم به ترور کرده و بیش از پیش بر انحلال مجلس اصرار ورزیدند. بدین ترتیب، اعتراض‌ها سراسر تونس را فراگرفت و حمادی جبالی نخست‌وزیر تونس، اقدام به انحلال دولت کرد و وعده داد که دولتی فراگیر تشکیل دهد.

النهضه پس از این برهه، وارد رقابتی نابرابر شد که روبروی آن، تمامی جریان‌های مخالف بن علی و سکولارها به جز اسلام‌گرایان اخوانی قرار داشتند، لذا حزب «نداء تونس» که گروه‌های یادشده را شامل می‌شد، توانست ۸۰ درصد آراء را از آن خود کند و این‌گونه، زمام حکمرانی از دست اخوانی‌ها به سکولارهای مخالف رویکرد اسلام‌گرایان رسید. اینجا بود که کوله‌بار تجربه‌ی النهضه و راشد الغنوشی خود را نشان داد و با تبریک به رقیب و پذیرش شکست خود، جلوی تحقق توطئه‌ی داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حذف این جریان از عرصه‌ی سیاسی تونس را گرفت. پس از این رویداد، اولین حضور گسترده‌ی النهضه در قالب تشکلی اسلام‌گرا، در ماه می ۲۰۱۶ میلادی شکل گرفت که دهمین کنگره‌ی حزب با حضور «باجی قائد السبسی» رئیس‌جمهور کنونی تونس برگزار شد و طی آن، جنبش یادشده به رهبری غنوشی، از رویکرد جدید خود در عرصه‌ی سیاسی رونمایی کرد. طی این کنگره که باز هم غنوشی به عنوان رهبر برگزیده شد، جنبش مذکور خط و مشی گذشته خود را کنار نهاده و تاکتیک حضور سیاسی و نه عقیدتی- سیاسی را برگزید؛ به همین خاطر، غنوشی از کنار گذاشتن اسلام سیاسی و فعالیت در قامت حزبی سیاسی سخن سرود و مرام النهضه را این‌گونه ترسیم کرد. سیر تحول این جنبش از شکل‌گیری تا راهبرد یادشده، پژوهشگران جهان اسلام را با این پرسش روبرو می‌سازد که بُن‌مایه‌های بینشی، نگرشی و کنشی اخوانی‌های تونس در گزینش این رویکرد چیست؟ در همین راستا و به دنبال کنار گذاشتن اسلام سیاسی، سؤال اینجا است که قرائت غنوشی و حزبش از این مقوله چه بوده و هست؟ غنوشی به عنوان رهبر جریان‌ی اسلام‌گرا که امروزه علی‌رغم انحراف جریان بیداری اسلامی، حضورش را در صحنه‌ی

سیاسی سیاست منطقه‌ای به عنوان جریانی که خط اسلام اعتدالی را دنبال می‌کند، گذار به دموکراسی در کشور خود و حدود آزادی را چگونه ترسیم می‌نماید و مقولاتی چون مقاومت، ملی‌گرایی، انقلاب، دولت اسلامی و قانون‌گرایی را چگونه تحلیل کرده و تصویر می‌سازد؟ در صفحات پیش رو که حاوی سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها و مقالات استاد راشد الغنوشی بوده و توسط «دکتر رضوان السید» گردآوری و تدوین شده این سؤالات و پاسخ آنها به خوبی تبیین شده است و خواننده با مطالعه‌ی آن، هم دیدگاه‌های غنوشی در خصوص تحولات امروز جهان اسلام را خواهد شناخت و هم تحلیلی علمی و دقیق از فراز و فرود رویدادهای امروزمین منطقه و تا حدودی آینده‌ی آن، دریافت خواهد کرد.

غنوشی در سخنرانی‌ها و یادداشت‌های خود، ضمن تحلیل فضای سیاسی حاکم بر کشورهای عربی و به طور خاص تونس، دیدگاه‌های خود درباره‌ی مباحثی چون آزادی، حقوق شهروندی، دموکراسی، رابطه اسلام و سکولاریسم، حقوق بشر، زنان، نقش دین در سیاست، جهاد، سلفی‌گری، تحزب، فلسطین و رژیم صهیونیستی را تبیین کرده است، بنابراین، کتاب پیش رو می‌تواند منبع معتبری برای شناخت دیدگاه‌های سیاسی-اجتماعی ایشان باشد. در ترجمه‌ی فارسی کتاب طی چهل و یک فصل تدوین شده است.

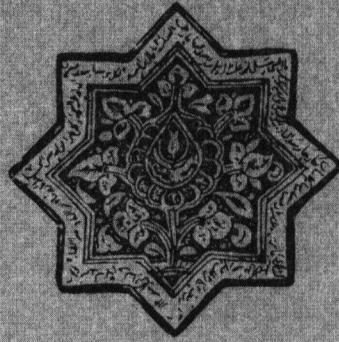
همان‌طور که گفته شد، با عنایت به اینکه کتاب پیش رو، حاوی مجموعه‌ی مقالات و یادداشت‌ها و سخنرانی‌های جناب غنوشی بوده، مطالب تکراری و گه‌گاه ناپیوسته‌ی زیادی بین مباحث کتاب به چشم می‌خورد. در برگردان آن به فارسی، تلاش شده است تا ضمن رعایت امانت، متنی سلیس و روان ارائه شود. در همین راستا و از آنجا که آقای راشد الغنوشی، قرائت سنتی از اسلام و حکومت اسلامی را مبنای تحلیل خود قرار داده است، ترجمه‌ی تمامی مطالب کتاب و بخش‌هایی که حاوی برداشت ایشان از تاریخ اسلام یا نگرش عقیدتی‌شان می‌باشد، به معنی تأیید آن از سوی مترجم نمی‌باشد، بلکه صرفاً عمل به اخلاق اسلامی و توصیه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) در امانتداری است. افزون بر این، استاد راشد الغنوشی اگرچه خود را پیرو خط ترسیم‌شده‌ی انقلابی‌گری از سوی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران می‌داند، لیکن مترجم با برخی دیدگاه‌های ایشان در خصوص انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و برخی نظرات رضوان السید، تدوینگر کتاب که در این کتاب آمده است، موافق نیست، به همین خاطر، تلاش شده تا آنجا که ممکن است، پاورقی‌هایی در تصحیح مباحث یادشده، مرقوم گردد.

در پایان، ضمن شکر از ایزد متّان، از تمامی عزیزانی که با راهنمایی‌های دلسوزانه‌ی خود، زمینه‌ی ترجمه‌ای هرچه دقیق‌تر را فراهم آورده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از محبت‌های بی‌دریغ دوست عزیز جناب آقای مرتضی کربلایی که با حسن ظن خود به اینجانب، زمینه‌ی ترجمه‌ی این کتاب را فراهم آوردند، تشکر می‌کنم. اگر پیگیری‌ها و راهنمایی‌های ایشان و دوست گران قدر جناب آقای سید علی موسوی نبود، سختی‌های مسیر هموار نمی‌گشت، لذا الطاف خالصانه‌ی هردو عزیز را ارج نهاده و از خداوند متّان، سلامتی و توفیق روزافزون در خدمت به اسلام را برایشان آرزومندم. در آخر هم ضمن قدردانی از زحمات دوست عزیز جناب آقای علی عرب صالحی در ویراستاری کتاب، از تلاش‌های مسئولین و کادر اجرایی محترم پژوهشکده‌ی تمدن توحیدی و همچنین دفتر نشر معارف به خاطر پیگیری و چاپ کتاب، تشکر و سپاس دارم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

جبار شجاعی

نهم اسفندماه سال ۱۳۹۶ شمسی



مقدمه‌ی گردآورنده

شیخ راشد الغنوشی و جریان سیاسی او بیش از چهار دهه، به عنوان جریان مخالف نظام سیاسی حاکم در تونس، فعالیت می‌کردند. مقاله‌هایی که در این مجموعه، تحت عنوان «چشم‌اندازهای انقلاب» گردآوری شده است، ترسیم‌گرده‌ی پایانی برهه‌ی یادشده است. این دهه را می‌توان سخت‌ترین مرحله‌ی حیات سیاسی شیخ راشد الغنوشی و جریان النهضه تونس، به شمار آورد. در همین راستا، مقاله‌های مذکور، طی چهار بخش، تدوین شده است. بخش اول، کشمکش سیاسی این جریان را با بن‌علی - که ۲۳ سال به عنوان رئیس‌جمهور تونس، حکومت کرد - پردازش می‌کند. بخش دوم به واکاوی «پروژه‌ی اسلام‌گرایی» که «شیخ راشد» منادی و پرچم‌دار آن بود، اختصاص یافته است. ناگفته نماند که دیدگاه شیخ راشد در خصوص اسلام‌گرایی [به عنوان راهبرد سیاسی جنبش النهضه]، هنگامی به طور جدی از سوی ایشان پیگیری می‌شد که دیگر خط ملی‌گرایی را اساس کنش سیاسی خود قرار نداده بود. دیدگاه‌های ایشان پیرامون تمدن معاصر (نوین) و دوران جهانی شدن، طی بخش سوم، بیان شده است و در بخش چهارم هم رویکرد ایشان در قبال جریان‌های فکری و سیاسی تونس، جهان عرب و به طور کلی جریان‌های فکری حاکم بر جهان، تبیین شده است.

کالبدشکافی بخش اول این پژوهش، نشان می‌دهد که شیخ همچون دیگر مبارزین سیاسی که مدت مدیدی را در تبعید به سربرده یا تحت فشارهای داخلی بودند، دوران سخت و طاقت‌فرسایی را سپری کرده‌اند. این سختی در عمل و اندک بودن آن را بر او خورده نمی‌گیرم، چرا

که دستگاه‌های نظامی و امنیتی حاکم بر جهان عرب، برای مدت ده‌ها سال، تمامی راه‌های اعتراض را بسته و برای خاموش کردن اعتراضات، از هیچ اقدامی دریغ نمی‌ورزیدند. واضح و مُبرهن است که هم‌زمان با پایان جنگ سرد، ایالات متحده‌ی آمریکا و هم‌پیمانان (منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای‌اش)، هژمونی خود را برای مدت بیست سال، بر جهان مستولی ساختند. در این بین، کشورهای عربی هم تحت همین هژمونی، از هر اقدامی برای مبارزه یا حذف جنبش‌های اسلامی، کوتاهی نکردند. ناگفته نماند که مقابله‌ی کشورهای عربی با جنبش‌های یادشده، گاهی اوقات با حمایت‌های آمریکا و گاهی هم بدون حمایت ایالات متحده انجام می‌گرفت. به طور کلی، برویکرد شیخ راشد و عملکردش طی دوران بن علی خُرده نمی‌گیرم، چرا که ایشان از چارچوب متعارف مبارزه و تقابل (با مخالفین و دشمن)، پا را فراتر نهادند. خواسته‌های ایشان، آزادی اساسی برای شهروندان، انتخابات دموکراتیک واقعی و نه نمادین و چرخش نخبگانی در حکومت بود. راشد حتی هنگامی که نظام حاکم بر تونس یا دیگر نظام‌های سیاسی عربی، خشونت را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بودند، اقدامات خشونت‌آمیز را رد می‌کرد؛ به گونه‌ای که گاهی اوقات از اقدامات خشونت‌آمیز نظام حاکم بر تونس به ستوه آمده و بی‌صبری شهروندان تونسی را به خوبی درک کرده و از اینکه برخی از مبارزین، همچون مردم عادی، تحت فشارها و فعالیت‌های خشونت‌بار حکومت، دست به سلاح می‌بردند، برمی‌آشفتم؛ زیرا که بین رویکرد خشونت‌آمیز این افراد و شیوه‌ی مسالمت‌جویی او، فاصله‌های بسیار می‌بیند.

فصل دوم، پروژه‌ی اسلامی گسترده‌ای را ترسیم می‌سازد که بخش‌هایی از آن را می‌توان در سایر تألیفات و سخنان راشد، شاهد بود. از آنجایی که پروژه‌ی یادشده، گستره‌ی بسیاری را شامل می‌شود، طی دهه‌های اخیر، هماره مورد اتهام قرار گرفته و به خاطر خوانش‌های متعدد از آن، آن‌گونه که باید و شاید، مورد توجه قرار نگرفته است. در رابطه با همین قرائت‌های گاهاً متناقض از مفاهیم و اصطلاحات پروژه‌ی اسلام‌گرایی، لازم به یادآوری است که جریان‌های مختلف اسلام‌گرا، رویکردهای متفاوتی در خصوص تطبیق و اجرای شریعت داشتند. یکی از این رویکردها، خواهان تطبیق احکام شریعت با قوانین موجود است؛ به گونه‌ای که مالک بن نبی به عنوان یکی از صاحب‌نظران این حوزه، خط همگونی و توازن بین اهداف شریعت با روح حاکم بر تمدن نوین در ساحت‌های سیاسی، اقتصادی و حتی انسانی را دنبال می‌کند. راشد هم همچون دیگر اسلام‌گرایان، گاهی اوقات میراث فقهی و اصولی را گزینشی بررسی

می‌کند و از این رو، شاهدیم که دیدگاه‌هایش بین دو حالت محدود و موسع، در نوسان است. لیکن آنچه در این میان، باقی است، مشکل اجرای شریعت است. غنوشی طی جلساتی پی در پی و حتی به هنگام پیشرفت جنبش در از سرگیری فعالیت خود-پس از سال‌ها دوری از عرصه‌ی سیاسی-، مقولاتی چون «حکومت اسلامی»، «نظام سیاسی مطلوب» و «نسبت دین و دولت در اسلام» را تبیین می‌نماید.

لازم به یادآوری است که مقولاتی از این قبیل، فراتر از مسئله‌ی تقلید بوده و ساخته‌ی نواسلام‌گرایان است از این رو، به هیچ وجه نشانه‌ای دال بر آن‌ها در مواضع افرادی چون ابن عاشور، شاطبی و حتی مصلحت‌سنجی‌های ابن عبدالسلام دیده نمی‌شود. جای بسی خوشبختی است که بعد از انقلاب تونس تجربه‌ی شیخ به سمتی سوق یافت که در قانون اساسی جدید این کشور، از «عقلانیت» و «مسئولیت‌پذیری» استقبال شد.

در این بین، آن دسته از فقها و اندیشه‌وران جهان اسلام که برخلاف شیخ راشد، رویکردی تقلیدگرا نسبت به تحولات جهان اسلام و وضعیت مسلمانان داشتند، اظهار می‌نمودند که مسلمانان می‌بایست به امور دینی خود بپردازند و برای رتق و فتق امور عمومی خود، به ساخت دولت روی آورند. چرا که در نگاه آن‌ها، اساساً علت حضور امام در عرصه‌ی سیاسی و تأکید او بر مقولات دینی و حراست از دین، برای خاطر خود مردم است. ناگفته نماند که در این نگاه، همان‌گونه که امام علی علیه السلام اشاره داشتند، دولت وظیفه‌ای در امور دینی ندارد،^۱ بلکه می‌بایست مسائل عمومی جامعه را رتق و فتق کند. بنده بر این باور نیستم که شیخ دیدگاه‌های جریان بیداری نسبت به مقوله‌ی «دولت اسلامی» و جایگاه عقل و مصلحت در آن را به کلی رد کردند، اما رویکرد برخی از رهبران این جریان چون حسن ترابی، اخوان مصر و اردوغان در تطبیق شریعت را به چالش کشیده است. واقعیت امر هم این است که اساساً مگر چقدر امکان اجرای دولتی اسلامی در راستای تطبیق کامل شریعت وجود دارد؟ اینجانب معتقدم که تلاش‌های سیاسی و اخلاقی شیخ راشد پس از انقلاب تونس، ترسیم‌گرو سعت نظر و فهم بالاتر ایشان در مقایسه با دیگر سیاستمداران است. ایشان طی رفتار سیاسی خود، حد و حدود قدرت‌های سیاسی و ویژگی‌های آن‌ها را درک کرده و توجه داشتند.

۱. این ادعای بی‌منبع جناب آقای رضوان السید، مورد پذیرش مذاهب اسلامی نیست؛ چرا که واکاوی فرمایشات امام علی علیه السلام نه تنها به کلی مغایر این ادعاست که نهج البلاغه به عنوان گزیده‌ای از بیانات ایشان، مشحون از وظایف حاکم اسلامی، رابطه مردم و حکومت، ویژگی‌های جامعه اسلامی و رابطه‌ی دین و سیاست می‌باشد. (م)

نگاه شیخ به جهان و چشم اندازهای وسیع ایشان به هستی را طی فصل سوم بیان نموده ایم. آقای غنوشی نگرش خاصی به جهان داشته و همین دیدگاه معرفت شناختی مُوسَّع نسبت به تمدن نوین را با زبانی قابل فهم و ساده به گونه ای که در شأن رهبری سیاسی و اندیشمندی فرهیخته باشد، تبیین می کنند. در همین راستا، از آنجایی که ایشان دورویکرد عقل گرایی و اخلاق مداری را سرلوحه ی خود در تئوری پردازی و نقد قرار داده اند، دیدگاه هایشان از هرگونه تنگ نظری و تقلیل گرایی، به دور می باشد. از این رو، می توان این گونه نتیجه گرفت که تمدن سازوار با انسانیت، با دنیاگرایی کشنده ی ارزش ها و مقام های بشری متفاوت است.

فصل چهارم، به موضوع گیری های شجاعانه ی آقای غنوشی نسبت به جریان های سیاسی در جهان و کشورهای عربی و به طور مشخص کشور تونس اختصاص دارد. ایشان دغدغه مندانه مسائل مربوط به کشور و مردم سرزمینش را دنبال کرده و از هرگونه ستم ورزی و استبداد، اکراه دارد. در همین راستا، منعی برای همکاری و هم پیمانی با جریان های کمونیستی و سکولار براساس آزادی و قانون اساسی نداشته و مخالفتی با تحرّز و جناح بندی سیاسی هم ندارند. در واقع می توان عنوان داشت که رویکرد تعاملی ایشان، بیشتر الهام گرفته از مالک بن نبی است و نه سید قطب. بدین ترتیب، در تقابل با امپریالیسم و صهیونیسم، فارغ از اختلافات و اشتراکاتش با دیگران، با همه ی آزادی خواهان جهان همکاری می کند. ایشان طی سخنرانی های بسیاری، خشونت به اسم دین را رد کرده و براین باور است که خشونت طلبی اسلام گرایان، پیش از آنکه به دیگران آسیبی وارد کند، به ضرر خود اسلام است. مدتی پس از انقلاب تونس و هنگام ظهور گروه های تندرو در سرزمین های اسلامی، مصاحبه ای با ایشان داشته و در مورد موضوعات مختلف، بحث و گفتگو کردیم اکنون می خواهم اعتراف کنم که شیخ راشد را خوب نفهمیده بودم، لذا از این موقعیت بهره جسته و به این اعتراف خود، اقرار می کنم.

«اسلام سیاسی» که از قضا راشد الغنوشی چنین تعبیری را نمی پسندد، امروزه از ناکارآمدی آن و ناامیدی مردم، رنج می برد. البته این موضوع، محدود و مختص به کشورهای عربی نیست، بلکه ترکیه و ایران هم همین وضعیت را دارند.^۱ آیا جنبش النهضة و شخص راشد

۱. اسلام سیاسی یکی از مفاهیم مهم در سپهر سیاست است که نظریه پردازانی چون امام خمینی ره، سید قطب، ابوالاعلی مودودی به پردازش چپستی آن پرداختند. حال در اینکه چرا جنبش النهضة و بدنه ی رهبری آن، چنین رویکردی را کنار گذاشته و به سکولاریسم سیاسی تن داده اند قابل بررسی است. این نکته لازم به یادآوری است که

غنوشی همچون احزاب دموکرات مسیحی در اروپای پسا جنگ جهانی دوم، در آینده الگوی جنبش‌های در جستجوی راه‌های احیای هویت (سلب شده) خواهد بود؟ شیخ از رجعت و ناامیدی مردم رنج می‌برد؛ و این مسئله‌ای نیست که مختص به ما اعراب باشد، بلکه چنین رنجی در ترکیه و ایران هم وجود دارد. آیا جنبش النهضة و شیخ راشد همانند احزاب دموکراتیک مسیحی در اروپا پس از جنگ دوم جهانی، نمونه‌ای برای آینده دیگر جنبش‌های هویتی و وابسته است؟ عنایت داشته باشیم که ما عرب‌ها، در دو مقوله‌ی «الگو شدن» و «تبلیغ»، مسئولیت ویژه‌ای داریم. خداوند در همین باره و در آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی زخرف می‌فرماید: «و قرآن برای تو و (مؤمنان) قومت شرف و نام بلندی است و البته شما امت را باز می‌پرسند (که با قرآن) چه کردید؟»

دو وظیفه‌ی بنیادین یا دو مأموریت اساسی و مهم داریم: یکی اینکه علما و فقهای ما با خارج کردن دین از بطن دولت و کشمکش‌های سیاسی، آن را نجات داده و به خوبی محافظت کنند. وظیفه‌ی سیاستمداران و افکار عمومی هم رهایی از ستمگری و ستمگران و تلاش برای برپایی حکومتی صالح است.^۱

چنین راهبردی، نتیجه‌ی جمع دلایلی همچون مرام روشنفکرانه‌ی رهبری حزب و اخلاق سیاسی مبتنی بر ترجیح خیر عمومی بر مصالح حزبی، تجدید نظرطلبی ایدئولوژیک جنبش النهضة و توازن قوای جامعه‌ی سیاسی و مدنی در تونس است. اما در رابطه با اظهارات جناب دکتر رضوان السید مبنی بر یکسان‌انگاری حکومت اسلامی در ایران و ترکیه، می‌بایست اشاره داشت که افزون بر تفاوت زمینه‌های سیاسی- اجتماعی شکل‌گیری حکومتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در ایران و ترکیه و همین‌طور اختلاف در رویکرد عقیدتی، نگرش مسئولین، رهبران سیاسی و قانون اساسی دو کشور نسبت به جایگاه دین در سیاست، چنان اختلاف دارد که نمی‌توان به راحتی دو نوع حکومت یاد شده را تحت یک عنوان تعریف کرد. (م)

۱. در قرن‌های اخیر، توطئه‌ای دین مسیحیت و بعدها اسلام را فراگرفت که تلاش می‌نمود تا دین و علم را دو مقوله‌ی جدا از هم و بلکه متضاد نمایان سازد. در همین راستا، نظام سلطه از هیچ تلاشی برای القای مسئله‌ی جدایی دین از سیاست، دریغ نرورزید. علت هم این بود که سلطه‌طلبان می‌دانستند تنها جریان اجتماعی که رودرروی ظلم و طاغوت خواهد ایستاد، دین است. بنابراین با این عنوان که دین به امور فردی و اخروی مرتبط است، مانع حضور اجتماعی و سیاسی دین شدند. اگرچه در دنیای مسیحیت از ابتدا کسانی مخالف چنین رویکردی بودند و بعدها با به راه افتادن جنبشی تحت عنوان «الهیات رهایی‌بخش»، سعی در تبیین همگونگی دین و سیاست داشتند، اما در دنیای اسلام، سردمدارانی که استبداد را سرلوحه‌ی حکمرانی خود قرار داده بودند، نه تنها اجازه‌ی حضور دین و دینمداران در عرصه‌ی سیاسی را نمی‌دادند که مانع فعالیت دین محدود به مسجد هم می‌شدند.

اگرچه در دنیای مسیحیت علی‌رغم اعتقاد برخی از روحانیون بلندپایه کلیسا مبنی بر حضور سیاسی حضرت عیسی علیه السلام، پاپ و کلیسا همواره مبارزه با دولت‌ها را منع کرده و می‌کنند اما در دنیای اسلام، علی‌رغم اینکه غالب دوران حکمرانی اسلام، برقراری از اسلام مبتنا داشت که میزان سازگاری آن با نص قرآن و سخن مفسران وحی بسیار ناچیز بود طوری که می‌توان از ناهمگونگی آن دو سخن گفت، ولی نه تنها سخن از جدایی دین و سیاست وجود

همه بدانیم که راه کاستن از گسترش تندروی و افراط‌گرایی، شکل‌گیری حکومتی است که بر بنیان‌هایی پایدار و سازوار با مفاهیم سیاسی نوین، مبتنا یافته باشد.

و من الله التوفیق

رضوان السید

بیروت- ۲۰۱۵/۱/۱۶

نداشت که اتفاقاً مناقشه‌ی اسلام‌گرایان، بر سر چگونگی کار بست هر چه بیشتر اندیشه‌های دینی در نظام سیاسی و تحقق حکومتی مطلوب بود. البته ناگفته نماند که در بین مسلمانان، عده‌ای قلیل بوده و هستند که به علت فهم ناقص دین یا خستگی مبارزه برای رسیدن به نظامی اسلامی، همسویا سلطه‌طلبان غربی، از ناکارآمدی اسلام و مفاهیم اسلامی سخن می‌رانند. همچنین در این بین، برخی هم راه افراط گرفته و با افکاری متحجرانه، چنان تصویری از اسلام ساختند که بستری برای تصویرسازی‌های ناصحیح دشمنان حق فراهم آوردند (م).